

فصلنامه پژوهش‌نامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی

Journal of Humanities and
Islamic Strategic Studies

سال هفتم، شماره ۷۸، پاییز ۱۴۰۴، صص ۹۷-۱۰۹
Vol 7, No 78, 2025, P 97-109

ISSN (2538-4317)

شماره شاپا (۴۳۱۷-۲۵۳۸)

عوامل کلیدی زمینه ساز در نهضت عاشورا

عیسی رنجبر^۱، دلشاد رنجبر^۲

۱. استادیار گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی تبریز

۲. دانش آموخته سطح دو حوزه علمیه خاوران حضرت فاطمه الزهرا (س) شهرستان شبستر

چکیده

تاریخ اسلام از زمان حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تاکنون شاهد ظلم و جور بسیاری در حق معصومین (علیهم السلام)، بوده است که از میان آنان از حادثه عاشورا با تعبیر مصیبت اعظم یاد می‌شود. جریان عاشورا یک حادثه اتفاقی نیست و از عوامل خاصی نشئت گرفته است. نوشتار حاضر در صدد است تا با استفاده از روش کتابخانه‌ای در پاسخ به این سؤال که عوامل کلیدی زمینه‌ساز در نهضت عاشورا چیست؟ زوایای پنهان این حادثه تاریخی را بررسی کرده و این مسئله را روشن سازد که چرا تنها پس از گذشت پنجاه سال از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، حاکمان جامعه اسلامی به آسانی اقدام به قتل و اسارت خاندان آن حضرت نمودند. کنار گذاردن وصایای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به‌ویژه در مورد مسئله جانشینی پس از خود؛ رنگ باختن معنویت و افول غیرت دینی را می‌توان از مهم‌ترین عوامل کلیدی نهضت عاشورا برشمرد.

واژه‌های کلیدی: امام حسین (علیه السلام)، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، دین اسلام، عاشورا.



مقدمه

پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و غصب خلافت الهی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، امت اسلام دچار انحرافات شد و تغییراتی در بنیان جامعه به وجود آمد که تنها پس از گذشت پنجاه سال از رحلت جد بزرگوارشان، کار را به جایی رساندند که نواده‌ای از سلاله پاک پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را به طرز فجیعی کشتند؛ خاندانش را به اسارت بردند و وقایع تلخی را رقم زدند که قلم از نوشتن آن شرمسار است.

انحرافات که پس از جریان سقیفه گریبان‌گیر جامعه اسلامی شد؛ به اندازه‌ای بود که امام حسین (علیه السلام) چاره‌ای جز فداکردن جان و مال و اهل بیت خود نیافت و برای احیای دین فراموش شده جدش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، به پا خاست تا با نثار خون پاکش، مشعل هدایت را پیش روی حقیقت مداران قرار دهد.

آنچه مسلم است؛ عاشورا را بدون نگاه به عوامل شکل‌گیری آن نمی‌توان تحلیل کرد و شناخت این عوامل ما را در عدم تکرار واقعه عاشورا کمک شایانی خواهد نمود؛ این مقاله، در صدد است باتکیه بر روش کتابخانه‌ای پاسخگوی این سؤال باشد که عوامل کلیدی زمینه‌ساز کلیدی زمینه‌ساز در نهضت عاشورا چیست؟

با اینکه در کتب تاریخی متعددی از جمله تاریخ یعقوبی، نوشته احمد بن اسحاق یعقوبی و کتاب الاحتجاج نوشته طبرسی و کتاب مسند احمد نوشته احمد بن حنبل به صورت اجمالی، به این موضوع اشاره شده است؛ اما اهمیت شناخت عوامل شکل‌گیری نهضت عاشورا برای جلوگیری از تکرار آن در طول تاریخ، بررسی خاص و ویژه‌ای را می‌طلبد. این نوشتار در سه محور: کنارگذاشتن وصایای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، بخصوص در مورد مسئله جانشینی پس از خود؛ رنگ‌باختن معنویت و افول غیرت دینی به بررسی این مهم پرداخته است.

غفلت از عمل به وصایای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به‌ویژه در مورد مسئله ولایت و جانشینی پس از خود

یکی از مهم‌ترین علل رخداد عاشورا، حادثه‌ای بود که در همان روز رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، در سقیفه بنی ساعده رخ داد و مسلمانان با فراموش کردن توصیه‌ها و وصایای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، در باره علی (علیه السلام) بر خلافت ابوبکر اجماع نمودند.^۱ بالاترین مصیبتی که بر اسلام وارد شد همین مصیبت سلب حکومت از حضرت امیر (علیه السلام) بود. عزای او از عزای کربلا بالاتر بود؛ مصیبت وارده بر امیرالمؤمنین و بر اسلام بالاتر است از آن مصیبتی که برسید الشهداء وارد شد. اعظم مصیبت‌ها این مصیبت است که نگذاشتند مردم بفهمند اسلام یعنی چه؟^۲

۱. حضرتی، بررسی تاریخی بن مایه‌ها و درون مایه‌های رخداد عاشورا از منظر امام خمینی (ره)، ص ۲.



فاجعه کربلا و به‌طور کلی همه مسائل مهم صدر اسلام در خط سقیفه و بخصوص از جهت آشفتگی نظام خلافت اسلامی تحفه غاصبان خلافت امیرالمؤمنین است؛ به‌طوری که زمینه پیشروی معاویه‌ها و یزیدها و گرفتاری علی‌ها و حسین‌ها فراهم گشت و در نتیجه اضطراب و التهاب کل جامعه اسلامی را فراگرفت. اگر علی (علیه‌السلام) بر کرسی حکومت تکیه زده بود هرگز معاویه و امثالش در پست‌های حساسی همچون ولایت شام قرار نمی‌گرفتند. خانه‌نشینی علی (علیه‌السلام) بی‌تردید از جاه‌طلبی و حب مقام نشئت گرفته بود.^۲

مذهب‌های باطلی که شالوده‌اش از سقیفه بنی ساعده ریخته شد و بنیانش بر انهدام اساس دین بود؛ جای گیر حق شده بود.^۳

پس از رحلت پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) اسلام می‌رفت تا با کج‌روی‌های بنی‌امیه در حلقوم ستم کاران فرورود و عدالت در زیر پای تبهکاران نابود شود که سید الشهداء (علیه‌السلام) نهضت عظیم عاشورا را بر پا نمود.^۴ انقلاب امام حسین (علیه‌السلام) یک انقلاب آگاهانه است؛ هم از ناحیه خودش و هم از ناحیه اهل‌بیت و یارانش.^۵

پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) به‌عنوان رهبر تیزبین و بصیر امت به‌خوبی حوادث دردناک پس از خویش را پیش‌بینی می‌کرد و به‌عنوان ناصح و دلسوز امت راه نجات را پیش روی آنان گذارد که عبارت بود از: تمسک به قرآن و عترت.

ایشان در حدیث متواتر تقلین فرمودند: «همانا من دو یادگار گران‌بها در میان شما باقی می‌گذارم: یکی کتاب خدا و دیگری عترتم؛ تازمانی که به این دو چنگ زنید هرگز گمراه نخواهید شد و این دو تا قیامت تفکیک‌ناپذیرند.»^۶

در این روایت شریف راه‌هایی امت از فتنه‌ها تمسک به کتاب و عترت معرفی شده است؛ یعنی دم‌زدن از کتاب و عترت به‌تنهایی کافی نیست؛ بلکه آنچه مهم است عمل به کتاب خدا و پذیرش رهبری و ولایت عترت است. قرآن کتاب همه قرون و اعصار است و امامان نیز هدایتگر همه نسل‌ها هستند؛ نه قرآن کهنه خواهد شد نه عترت. ارتجاع امت از آنجا شروع شد که بجای تمسک به احکام نورانی قرآن به جلد و ظاهر آن تمسک جستند.

۱. خمینی، صحیفه نور، ج ۲، ص ۳۶۰.

۲. ایمانی، نقش جاه طلبی در واقعه عاشورا، ص ۵.

۳. خمینی، کشف الاسرار، ص ۱۷۴.

۴. خمینی، صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۸۳.

۵. مطهری، حماسه حسینی، ج ۲، ص ۲۶۵.

۶. شیخ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۲۳۳؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۳۹۱؛ احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۳، ص ۱۴.



تاریخ اسلام چهره‌ای را به درخشانی علی (علیه السلام) نمی‌شناسد. هر لحظه از زندگی امیرالمؤمنین سند افتخار اوست؛ همین لیاقت‌ها بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به امر خداوند علی (علیه السلام) را به امامت منصوب کرد. سعادت امت در آن بود که با جان و دل به وصیت ناصحانه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عمل می‌کردند و قرآن و عترت را سرلوحه زندگی خویش قرار می‌دادند؛ ولی افسوس که چنین نشد و سرانجام علی (علیه السلام) خانه‌نشین شد؛ ابوذر و خوبان اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مطرود شدند؛ بیت‌المال چپاول شد؛ منحرفان و فرصت‌طلبان در عالی‌ترین سطوح خلافت نفوذ کردند و سرانجام سالار شهیدان ابی‌عبدالله (علیه السلام) راهی جز فداکردن خود و عزیزانش ندید.^۱

سقیفه عامل اصلی حادثه خونبار کربلاست که خود پیامد تغییر در ارزش‌های جامعه نبوی بود؛ چرا که در آن جا بود که عنان حکومت به دست افراد نالایق افتاد و آنان با بهره‌گیری از این سازوکار بر جامعه مسلط گشتند؛ اگر واقعه شوم سقیفه نبود؛ هرگز جنایت‌های بعدی که اوج آن در عاشورا بود پیش نمی‌آمد و مسیر تاریخ اسلام و شیعه به گونه دیگری بود.

رنگ باختن معنویت

از عوامل کلیدی دیگر در حادثه عاشورا کم‌رنگ‌شدن معنویت در جامعه آن روز مسلمانان بود. در جامعه جاهلی زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، نژاد حرف اول را می‌زد؛ دیگر ارزش طاغوتی تکاثر و فزون‌طلبی در مال و اولاد بود؛ برای آنان ملاک ارزشمندی تنها در ثروت، اولاد، اقوام و قدرت‌های مادی منحصر می‌شد. انقلاب بزرگ و تحولی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در تاروپود جامعه ایجاد کرد؛ جایگزین کردن معنویت و ارزش‌های الهی در مقابل این ضدارزش‌ها بود.^۲

حضرت در اولین سخنرانی پس از فتح مکه فرمودند: «همه مردم در روزگار گذشته و حال مانند دانه‌های شانه مساوی و برابرند و عرب بر عجم و گندمگون بر سیاه برتری ندارد و ملاک فضیلت تقواست».^۳

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای تأمین امنیت روانی جامعه‌نگرش افراد نسبت به مسائل دنیوی را جهت داده و آن را از منفعت‌خواهی به خدامحوری تغییر دادند. اعرابی که تا دیروز کوچک‌ترین منفعت شخصی و قبیله‌ای را بهانه‌ای برای قتل و خونریزی و هرج و مرج قرار می‌دادند؛ در سایه تعالیم حکیمانه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نگرش خود را تغییر داده و خدامحوری را در رأس امور خود قرار دادند. ظهور و بروز این زیرساخت فرهنگی در هر دو عرصه روابط اجتماعی و جنگ‌های مسلمانان تأثیرگذار بود. جامعه خدا محور در برابر هر توطئه‌ای مصون است؛ چرا که تفکر قرب الهی به واسطه عزت‌نفسی که ایجاد می‌کند؛ باعث می‌شود؛ آن جامعه مصالح والای اسلام را به‌خاطر منافع ذلیل دنیوی به خطر نیندازد؛

۱. خاتمی، عبرت‌های عاشورا، ص ۴۸-۵۹.

۲. همان، صفحه ۶۶-۵۹.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۹۳.



بنا بر این اگر کسی قصد شرکت در جنگ و به خطر انداختن جان خود را داشت؛ باید اهداف پست مادی را کنار گذاشته و با نیت خالص در جنگ حاضر می شد.^۱

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با اینکه بسیار پرده پوش بود و عیوب مردم را می پوشاند؛ در جهت پاک سازی نیت و اراده مسلمانان و تفهیم نیت خالصانه گاهی دست به افشاگری می زد و کسانی را که باهدف دنیاخواهی در جنگ شرکت می کردند؛ رسوا می ساخت.^۲ در مرحله تقسیم غنائم نیز خدامحوری کاملاً مشهود بود. قانون اسلام در تقسیم غنائم به این صورت بود که نخست خمس اموال به دست آمده را برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و مخارج عام المنفعه کنار می گذاشتند؛ سپس به هر سواره دو سهم و به پیاده یک سهم تعلق می گرفت.^۳

دیگر عرصه این زیرساخت فرهنگی در روابط اجتماعی جلوه گر شده بود. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با تشویق مسلمانان به در نظر گرفتن خداوند در مراودات خود و ایجاد الفت و برادری در میان آنان سعی داشتند این گزینه فرهنگی را در جامعه آن روز نهادینه کنند؛ ایشان می فرمود: «دو مؤمن هر کدام علاقه اش به دیگری بیشتر باشد خداوند به او بیشتر اجر می دهد».^۴

زیربنای مبارزه با فرهنگ ناب محمدی در روز وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در سقیفه پایه گذاری شد؛ روزی که سقیفه به منفعت می اندیشید و غدیر به حقیقت؛ همان نقطه آغازین انحراف ولایت الهی بود. مسئله اصلی بینشی که از سقیفه تا کربلا مقابل فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) ایستاد این بود که می خواهیم دنیایمان را آباد کنیم و همه چیز برای آباد کردن دنیاست؛ حتی دین! یعنی به جای اینکه دستشان را به اسلام بدهند و بالا بروند؛ پای اسلام را گرفتند و پایین کشیدند. تمام جنایاتی هم که به شهادت امام انجامید؛ ریشه در همین تفکر داشت؛ این تفکر که اسلام فقط برای آباد کردن دنیاست کارش به بی اعتبار کردن هر معنویتی خواهد انجامید.

یزید شروع کننده حادثه نیست؛ بلکه پس از خلفای راشدین و معاویه، پنجمین سردمدار این تفکر است آنچه که توانست امام حسین (علیه السلام) را بکشد یزید نبود؛ بلکه فرهنگی بود که سردمدارش در آن زمان یزید بود.^۵ معنویت در سرایشی سقوط تا به آنجا پیش رفت که به فرموده امام باقر (علیه السلام) سی هزار نفر جمع شده بودند که امام حسین (علیه السلام) را بکشند و هر یک با کشتن او به خدا تقرب می جستند؛ چون می گفتند یزید خلیفه پیامبر است و حسین بی علی بر او خروج کرده و باید با او جنگید.^۶

۱. کاظم زاده، حسن؛ یزدانی، علی؛ الهی، حسین؛ مهارانحراف، ص ۱۲۹.

۲. ابن شبه نمیری، تاریخ مدینه منوره، ص ۱۴۸.

۳. ابن ابی شیبہ، المصنف، ج ۷، ص ۶۷۸؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۳، ص ۵۳.

۴. سجستانی، مسند ابی داود، ص ۲۷۳؛ ابن ابی شیبہ، المصنف ابن ابی شیبہ، ج ۸، ص ۲۴۷.

۵. جمشیدی، عوامل و انگیزه های قتل امام حسین (علیه السلام)، ص ۵.

۶. مطهری، حق و باطل، ص ۵۳.



افول غیرت دینی

سومین عامل زمینه ساز عاشورا، افول غیرت دینی بود. غیرت یعنی دفاع از محبوب در برابر متجاوز. طریحی غیرت را چنین معنا می کند: «غیرت نفرت طبیعی است که انسان از شرکت دیگری در امر محبوبش دارد»^۱ جلوه شناخته شده غیرت، غیرت ناموسی است که نشانه انسانیت انسان است و پیش از آنکه ارزش الهی باشد بک ارزش انسانی است. یعنی آنکه این خصیصه، حتی در کافر نیز ارزشمند است و خداوند انسان های غیرتمند را دوست دارد.^۲

جلوه دیگر این غیرت، غیرت دینی است. غیرت دینی، یعنی دین را به عنوان محبوب ترین برگزیدن و مدافع حریم آن بودن. غیرت دینی یعنی داشتن خشم مقدس در برابر متجاوزان به حریم دین؛ تلاش گسترده در راه نشر آن؛ امر به معروف و نهی از منکر و تولی و تبری، داشتن روحیه دفاع از دین و آمادگی برای فدا کردن همه هستی در راه آن.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید: «آنگاه که حادثه ای پیش آمد؛ اموالتان را سپر جانتان قرار دهید و در حفظ جانتان بکوشید؛ اما اگر حادثه ای پیش آمد که دینتان در معرض خطر قرار گرفت؛ جانتان را فدای دینتان کنید زیرا آن کس که دینش از بین برود نابود است و غارت زده آن کس است که دینش به غارت برود»^۳

غیرت دینی راز عظمت امت اسلام است؛ آئین انسان ساز اسلام پیروان خود را با این خصلت می پسندد خداوند در قرآن می فرماید: «شما بهترین امتی هستید که از میان مردم پدید آمده، امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید»^۴

غیرت دینی فریضه ای است که در هیچ شرایطی ترک شدنی نیست؛ حتی اگر انسان نتواند جلو متجاوزان به حریم دین را بگیرد؛ موظف است، قلباً از آن نفرت داشته باشد که این هم جلوه ای از غیرت دینی است و آنان که حتی این مرحله از غیرت دینی را در جان خود راه نداده باشند؛ مرده زنده نما هستند. در روایات، رضایت به گناه نیز گناه شمرده شده است؛ زیرا این کار جلوه برجسته فقدان غیرت دینی است. علی (علیه السلام) می فرماید: «آن کس که به کار جمعیتی راضی باشد؛ همچون کسی است که در آن کار دخالت داشته باشد و بر کسی که داخل در باطل می شود دو گناه است: گناه عمل به باطل و گناه رضایت به آن»^۵

از جلوه های برجسته غیرت دینی، خشم مقدس است. به همان اندازه ای که در قرآن و روایات دعوت به مهر و محبت در برابر خودی ها شده، دعوت به خشم مقدس در برابر کفار شده است و این جلوه برجسته

۱. طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۱۴۷.

۲. قمی، سفینه البحار، ج ۶، ص ۷۱۱ و ۷۱۲؛ محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۳۱.

۳. قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۷۶.

۴. آل عمران: ۱۱۰.

۵. نهج البلاغه، حکمت ۱۵۴.



غیرت دینی است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «محمد (صلی‌الله علیه و آله و سلم) فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سخت گیر و در میان خود رحیم و مهربان‌اند.»^۱

مهر و رحمت بجا و خشم بجا از صفات برجسته حضرت حق است؛ آن‌چنان که خداوند ارحم الراحمین است؛ ولی در مورد کسانی که پرده‌داری و هتاک را به اوج برسانند؛ اشد المعاقین است. سبیل این خشم مقدس انبیا و امامان بودند. امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) را به همین خشم مقدس می‌ستایند. ایشان می‌فرمایند: «پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) هیچگاه برای دنیا خشمگین نمی‌شد؛ اما آنجا که جای خشم مقدس بود آرام نمی‌گرفت.»^۲

علی (علیه‌السلام) در سخنان خود سخت بر این بعد غیرت، تأکید دارد؛ او تنها کسانی را توانمند بر نابودی مشرکان می‌داند که وجودشان کانون خشم مقدس باشد. حضرت این افراد را این گونه توصیف می‌کنند: «کسی که سرنیزه خشم را به‌خاطر خدا تیز کند؛ توانایی بر کشتن سردمداران کفر پیدا می‌کند.»^۳

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) دل پر خونی دارد از بسیاری از کسانی که وجودشان را خشم مقدس فرانگرفته و در برابر تجاوز دشمنان آرامند ایشان می‌فرمایند: «شما می‌بینید قوانین و پیمان‌های الهی شکسته شده اما به خشم نمی‌آیید؛ درحالی که اگر تعهدات پدران‌تان نقض گردد ناراحت می‌شوید.»^۴

اوج افول غیرت دینی در زمان حاکمیت یزید کار را به جایی رساند که کمر به قتل نواده پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) و اسارت اهل‌بیتش بستند؛ چنانچه طبق نقلی از سید الشهداء (علیه‌السلام) چیزی از دین باقی نمانده بود؛ بدعت‌ها رواج یافته بود و سنت‌های پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) نیز پایمال گشته بود.^۵

فقدان غیرت دینی و عدم توجه و اهمیت به ارزش‌های بنیادین اسلامی در هر دوره از اسلام می‌تواند حکومت‌های اسلامی را در معرض تهدید و نابودی قرار دهد. با عبرت گرفتن از حادثه کربلا به این مطلب رهنمون می‌شویم که برای جلوگیری از تکرار چنین وقایع تلخی باید پایه‌های اصول ارزشی جامعه را تقویت نمود.

نتیجه‌گیری

از مجموعه مباحث مطرح شده در این نوشتار در رابطه با عوامل کلیدی زمینه‌ساز در نهضت عاشورا می‌توان به این نتیجه دست یافت که عوامل شکل‌گیری سقیفه، اولین و مهم‌ترین عاملی بود که وصیت پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) به‌ویژه در مورد جانشینی پس از خود و خلافت امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)

۱. فتح: ۲۹.

۲. فیض کاشانی، المحجه البیضاء، ج ۵، ص ۳۰۳.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۱۷۴.

۴. همان، خطبه ۱۰۶.

۵. ابو مخنف، وقعه الطف، ص ۱۰۷.



را کنار گذاشت و با تغییر در ارزش‌ها و کم‌ارزش شمردن معنویات به تدریج در بنیان جامعه اسلامی نفوذ کرد و با غضب حق خلیفه الهی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) زمینه انحراف امت اسلام به سمت باطل را مهیا ساخت؛ تا به آنجا که ظلم و ستم بسیاری در حق معصومین (علیهم السلام) روا داشتند که از میان آن‌ها می‌توان به واقعه عاشورا اشاره کرد. کم‌رنگ شدن معنویت به افول غیرت دینی انجامید و تا به آنجا پیش رفت که جماعتی که روزی هنگام وضوگرفتن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر گرد ایشان حلقه می‌زدند و برای تبرک جستن به قطرات آب وضوی آن حضرت از هم سبقت می‌گرفتند؛ پس از گذشت پنجاه سال از رحلت ایشان گرد هم آمدند تا فرزند پیامبرشان را در گودال غربت، تنها و بی‌یاور ذبح کنند و خاندان عصمت را به اسارت ببرند.

باید از این واقعه تلخ عبرت گرفت چرا که شناخت این عوامل ما را در عدم تکرار واقعه عاشورا یاری خواهد رساند.

عواملی که منجر به واقعه عاشورا شد یک حادثه اتفاقی و یک مرحله تاریخی نیست که فقط در ظرف زمانی و مکانی خودش به وجود آید و قابلیت تکرار در آینده را نداشته باشد؛ بلکه یک حالت اجتماعی قابل تکرار است و ممکن است هر جامعه‌ای را در هر سطح علمی و فرهنگی آلوده نماید. باید هوشیار بود که ارزش‌های الهی و معنوی در هجوم دنیاطلبی رنگ نبازد که اگر در امر دین سستی شود؛ بار دیگر سرها به نیزه می‌رود و اسارت‌ها در پیش خواهد بود و این بار تن نیست که در بند قرار می‌گیرد؛ بلکه انسانیت و کرامت انسانی است که به اسارت نفس گرفتار می‌شود.

کنار گذاشتن وصایای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، رنگ‌باختن معنویت و افول غیرت دینی به عنوان سه عامل کلیدی زمینه‌ساز در جریان عاشورا در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفت. کوتاهی خواص از انجام رسالت خود و نفوذ حاکمیت نفاق به‌ویژه نفاق پنهان پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دو عامل دیگری است که پرداختن به آن از حوصله این مقاله خارج است و بررسی این عوامل می‌تواند راه‌گشای پژوهشگران در ارائه پژوهشی نو باشد.



فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم، ترجمه: فولادوند.
- نهج البلاغه، ترجمه: شهیدی.
- حسینی ارموی محدث، جلال‌الدین، فهرست موضوعی غرر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۱ ه.ش.
- خاتمی، احمد، عبرت‌های عاشورا، قم: موسسه بوستان کتاب، چ ۳، ۱۳۸۵ ه.ش.
- خمینی، روح‌الله، ولایت فقیه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، بی‌تا.
- _____، صحیفه نور، ج ۲، تهران: موسسه تنظیم آثار امام خمینی، بی‌تا.
- _____، ج ۵.
- _____، کشف الاسرار، تهران: علمیه اسلامی، ۱۳۲۳ ه.ش.
- فیرحی، داوود، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، تهران: نشر نی، چ ۱۷، ۱۳۹۷ ه.ش.
- کاظم زاده، حسن؛ یزدانی، علی؛ الهی، حسین؛ مهارانحرف، بی‌جا: انتشارات ابتکار دانش، چ ۱، ۱۳۸۵ ه.ش.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۳، مترجم: حمیدرضا شیخی، قم: دارالحديث، ۱۳۸۶ ه.ش.
- مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، ج ۲، تهران: انتشارات صدرا، چ ۱۷، ۱۳۷۳ ه.ش.
- _____، نبرد حق و باطل، بی‌جا: انتشارات صدرا، ۱۳۹۳ ه.ش.
- ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله، شرح نهج البلاغه، ج ۸، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ ه.ق.
- ابن‌ابی‌شبهه، عبدالله بن محمد، مصنف ابن‌ابی‌شبهه، ج ۷، بی‌جا: دارالتاج، ۱۴۰۹ ه.ق.
- _____، ج ۸، بی‌جا: انتشارات دارالکنوز، چ ۱، ۱۴۳۶ ه.ق.
- ابن‌حنبل، احمد؛ مسند احمد؛ محقق: احمد محمد شاکر، ج ۳، قاهره: دارالحديث، بی‌تا.
- الجابری، محمدعابد، العقل السياسي العربي، تهران: یادآوران، ۱۳۸۱ ه.ش.
- ابن‌شاذان، علم‌الدین فضل، الايضاح، مترجم: جلال‌الدین ارموی محدث، انتشارات دانشگاه تهران، بی‌تا.
- ابن‌شعبه، حسن بن علی، تحت العقول، قم: دارالحديث، چ ۵، ۱۳۹۳ ه.ش.
- ابن‌شبه‌نمیری، عمر، تاریخ مدینه منوره، ترجمه: حسین صابری، تهران: مشعر، ۱۳۸۰ ه.ش.
- ابن‌کثیر دمشقی، عمادالدین اسماعیل، البدايه و النهايه، ج ۴، بیروت – لبنان: دارالفکر، ۱۳۹۸ ه.ق.
- ابومخنف، لوط بن یحیی، وقعة الطف، ترجمه: محمد هادی یوسفی غروی، بی‌جا: اشارات کتاب طه، بی‌تا.
- ابن‌منیع، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، بیروت: بی‌نا، ۱۴۱۰ ه.ق.
- بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ج ۱، مترجم: محمد توکل، بی‌جا: انتشارات نقره، چ ۱، ۱۳۳۷ ه.ش.
- بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، ج ۶، بی‌نا.



- حلبی شافعی، ابراهیم بن احمد، السیره الحلبیه، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه، چ ۲، ۱۴۲۷ ه.ق.
- دارالقطنی، علی بن عمر، علل دارالقطنی، ج ۲، بیروت: دارالفکر، بی تا.
- سجستانی، ابی داوود، مسند ابی داوود، مصر: جیزه، ۱۴۱۹ ه.ق.
- شافعی دمشقی، ابوالقاسم علی بن حسن، تاریخ مدینه و دمشق، ج ۱۶، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ه.ق.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۱، نجف: منشورات المطبعة الحیدریه، چ ۳، ۱۳۸۳ ه.ق.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، ج ۵، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ه.ق.
- طریحی، فخر الدین، جامع البحرین، ج ۲، تهران: قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه، بی تا.
- فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، المحجّه البیضاء، مصحح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، بی تا.
- فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، ج ۱۰، انتشارات دارالاحیاء، بی تا.
- قمی، عباس، سفینه البحار، ج ۶، بی تا: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۳، ۱۳۸۵ ه.ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ترجمه: هاشم رسولی محلاتی، تهران: علمیه اسلامی، بی تا.
- مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۱، بی تا: دارالمفید، ۱۴۱۴ ه.ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲، قم: دارالتقلین، بی تا.
- _____، ج ۷۳، تهران: مکتبه الاسلامیه، چ ۴، ۱۳۷۵ ه.ش.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معاون الجوهر، ج ۱، بیروت: دارالاندلس، چ اول، بی تا.
- نراقی، ملااحمد، معراج السعاده، قم: طویای محبت، چ ۵، ۱۳۸۶ ه.ش.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، بیروت: لبنان: دارالصادر، بی تا.
- ب. تامپسون، جان، ایدئولوژی و فرهنگ مدرن، ترجمه: مسعودی اوحدی، ص ۳۷، بی تا.
- ایمانی، حسین، نقش جاه طلبی در واقعه عاشورا، مجله فرهنگ کوثر، شماره ۵۳، ۱۳۸۱ ه.ش.
- حضرتی، حسین، بررسی تاریخی بن مایه ها و درون مایه های رخداد عاشورا از منظر امام خمینی (ره)، مجله حضور، شماره ۵۱، ۱۳۸۵ ه.ش.
- جمشیدی، احسان، عوامل و انگیزه های قتل امام حسین (علیه السلام)، مجله پرسمان، شماره ۱۹، ۱۳۸۳ ه.ش.